

# واکاوی عناصر تاثیرگذار بر واگرایی ایران و عربستان در سال های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۸ با تاکید بر منافع ملی

رضا نصیری<sup>۱</sup>

محمدباقر فرهنگ<sup>۲</sup>

## چکیده:

بحث رقابت و تقابل ایران و عربستان و نوع روابط آنها به چندین دهه گذشته برمی گردد و از دوره پهلوی اول تاکنون ادامه داشته است.

همزمان با وقوع بیداری اسلامی در خاورمیانه افزایش تقابل منطقه‌ای بین دو قطب سنتی خاورمیانه یعنی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی به عنوان دو قدرت منطقه‌ای با مشی سیاسی متفاوت، طی سالیان اخیر رقابت شدیدی را جهت بسط نفوذ خویش داشته‌اند که با وقوع انقلاب‌های موسوم به بهار عربی شاهد افزایش تنش‌ها میان دو قطب سنتی خاورمیانه بوده‌ایم. تقابل ایران و عربستان یکی از عوامل کلیدی در چشم انداز امنیت خاورمیانه است که امتداد آن هم در منطقه خلیج فارس هم موضوع اعراب و اسرائیل و هم تحولات اخیر یمن مشاهده می‌شود.  
**واژگان کلیدی:** ایران، عربستان، خاورمیانه، همگرایی، واگرایی

---

<sup>۱</sup> - دانشجوی دوره دکتری، علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران  
Rezasasiri1357@yahoo.com

<sup>۲</sup> - دانشجوی دکتری، علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، البرز، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۱۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۱۷

## مقدمه:

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به طور مشخص تر در دهه شصت، ما شاهد حمایت سعودی‌ها از عراق در جنگ هشت ساله عراق علیه ایران بوده‌ایم. کشتار حجاج ایرانی در سال ۱۳۶۶، نشانه‌ای از عدم انعطاف حاکمان عرب در مقابل موج جدید اسلامگرایی در ایران بوده است، مسئله‌ای که در زمان خود باعث بروز بالاترین تنش‌ها و تشنجات در روابط ایران و عربستان شد و در این دوران تنش بالایی در روابط به وجود آمد. گرچه در یکی دو دهه بعد، تا حدی این تنش‌ها تعدیل شد و روابط بهبود پیدا کرد، ولی به نظر می‌رسد که در دوران پس از واقعه یازدهم سپتامبر و به خصوص بعد از حمله آمریکا به عراق، با توجه به تحولات منطقه خاورمیانه خصوصا تحولات یمن، رقابت‌های میان دو کشور وارد مرحله جدیدی شده است. در این میان، هر دو کشور یکدیگر را به دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر منطقه از جمله عراق، سوریه، لبنان، بحرین و یمن متهم می‌کنند. ایران، عربستان، قطر و امارات متحده عربی را به خاطر حمله به یمن محکوم می‌کند و عربستان نیز ایران را به برقراری امپراتوری شیعی متهم می‌سازد.

عربستان که در گذشته نیز به خاطر هزینه نمودن میلیاردها دلار در انتخابات کشورهای استراتژیک منطقه از جمله لبنان و عراق در رقابت غیرمستقیم با ایران بوده اکنون پس از وقوع انقلاب‌های بهار عربی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا و تحولات انقلاب یمن، روندی آشکارا در میدان رقابت دو طرفه با ایران را برگزیده است. عربستان سعودی اصولا با انقلاب در هر کشور مخالف است و دارای ارزش‌ها و اولویت‌هایی است که با هرگونه اصلاحات و دموکراسی برای کشورهای خاورمیانه سر ستیز دارد. به طور کلی ایران و عربستان نه متحدان طبیعی نه دشمنان طبیعی هستند اما این دو کشور مدت زمان طولانی است که به عنوان دو کشور تولیدکننده عمده نفت و دفاع از مذاهب شیعه و سنی در رقابت هستند. طی سال‌های اخیر تهران و ریاض بر سر نفوذ خود در منطقه خاورمیانه حداقل در دو نقطه یعنی عراق و لبنان و در دو سال گذشته در یمن رقابت سرسختانه‌ای با یکدیگر دارند. عربستان در دو حوزه عراق و لبنان به ویژه پس از روی کارآمدن نوری المالکی و پس از او حیدر العبادی در عراق و دولت نجیب میقاتی در لبنان خود را بازنده می‌داند. این کشور همچنین پس از سقوط حکومت علی عبدالله صالح در یمن و فرار عبدربه هادی منصور به ریاض و پیروزی‌ها و پیشروی‌های جنبش انصارالله، جمهوری اسلامی ایران را برنده این میدان رقابت ارزیابی می‌کند.

خشم عربستان از اوضاع منطقه‌ای و نقش ایران، ناشی از آن است که این کشور بر اساس دیدگاه بسته قومی خود، برای ایران هیچ جایگاهی در جهان عرب قائل نیست. عربستان از سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا نیز خشمگین است. به اعتقاد سعودی‌ها آمریکا ناخواسته فضا را برای افزایش نفوذ و قدرت ایران فراهم کرده است. ترس از ایدئولوژی انقلابی شیعی ایران و بیداری اقلیت‌های شیعی در عربستان و سایر کشورهای جنوب خلیج فارس و همچنین حرکت مردم یمن و مقابله با سیاست‌های عربستان و اسرائیل در این کشور موجب شده که عربستان نگاه بدبینانه‌ای به جمهوری اسلامی ایران داشته باشد. برجسته‌ترین نقاط رویارویی ایران با عربستان را می‌توان در میدان‌ها و بزنگاه‌های عراق، بحرین، لبنان، سوریه و خصوصاً در یمن دانست.

جمهوری اسلامی ایران و عربستان، دو کشور مهم و تاثیرگذار در منطقه خاورمیانه می‌باشند. این دو کشور با دارا بودن ذخایر عظیم هیدروکربنی و موقعیت استراتژیک در منطقه از اهمیت زیادی برخوردارند. از سوی دیگر تمرکز قدرت دو گروه اصلی مسلمانان یعنی شیعیان و اهل سنت در دو کشور ایران و عربستان این کشورها را به دو قطب فرهنگی، فکری و مذهبی در جهان اسلام تبدیل کرده است. تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، کشورهای ایران و عربستان دو ستون دکترین نیکسون را تشکیل می‌دادند که از سوی آمریکا به منظور تامین امنیت منطقه در راستای منافع غرب تدوین شده بود. ایران به عنوان ستون سیاسی - نظامی با در اختیار گرفتن پیشرفته‌ترین تجهیزات نظامی روز و حمای‌های نظامی و سیاسی، ژاندارم آمریکا و حافظ منافع غرب و خط مقدم جبهه مقابله با کمونیسم شناخته می‌شد و عربستان به دلیل برخورداری از درآمدهای بالای نفتی نقش ستون اقتصادی - مالی دکترین امنیت<sup>۱</sup> دو ستونی نیکسون را ایفا می‌کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط رژیم پهلوی، با خارج شدن ایران از بلوک غرب و انتخاب مشی مستقل در سیاست خارجی، در معادلات استراتژیک منطقه، چرخش حاصل شد و عربستان در استراتژی‌های غرب از اهمیت بیشتری برخوردار گردید و روابط این کشور با جمهوری اسلامی ایران وارد مرحله‌ای جدید شده. حمایت‌های سیاسی و اقتصادی عربستان از رژیم صدام حسین در طول جنگ تحمیلی علیه جمهوری اسلامی ایران، به شهادت رساندن حجاج ایرانی در سال ۱۳۶۶ در مکه مکرمه، حضور و موضع‌گیری‌های عربستان در شورای همکاری خلیج فارس علیه ایران و برخی مسائل دیگر موجبات واگرایی در روابط دو کشور را فراهم آورد. اما تحولات دیگر از جمله به قدرت رسیدن ملک عبدالله و پرهیز از دشمن تراشی در سیاست خارجی ایران،

مواضع مشترک دو کشور در خصوص برخی مسائل منطقه از جمله جنگ خلیج فارس و برخی همکاری‌های منطقه‌ای، زمینه همگرایی بین دو کشور را فراهم آورد. رقابت‌های دو کشور در لبنان، فلسطین و عراق پس از اشغال و اختلاف نظرها در خصوص موضوع پرونده هسته‌ای ایران نیز از مسائل مهم و تاثیرگذار در کنش‌های واگرایانه در روابط دو کشور است که هنوز پابرجا هستند. (نادری نسب، ۱۳۸۶: ۳۱۶)

### عوامل همگرایی روابط ایران و عربستان - اسلام

اسلام به عنوان محور اصلی همدلی در منطقه حضور هزار و چهارصد ساله دارد و مایه اصلی فرهنگ مشترک میان اقوام ساکن در این سرزمین‌ها است. تهاجم استعمار<sup>۱</sup> با استفاده ابزاری از ایدئولوژی احزاب سیاسی توانست از اجرای نقش وحدت ساز اسلام در میان مردم این مناطق جلوگیری و از آن برای دستیابی به قدرت استفاده کنند. در حالی که این آئین هنوز می‌تواند بیش از هر عنصری یعنی، فراتر از نژاد، زبان و قوم عمل کند. (فراز و فرود رابطه ایران و عربستان، ۱۳۹۱)

اصولا جهانی بودن مکتب اسلام و مسئولیت مسلمانان در قبال یکدیگر ضرورت همگرایی را به خوبی روشن می‌سازد. جمهوری اسلامی ایران به لحاظ مبانی اعتقادی و منافع مسلمانان جهان لازم است، زمینه وحدت و همگرایی مسلمین را در دنیای اسلام فراهم نماید و به همین دلیل یکی از مهمترین انگیزه‌ها برای گسترش همکاری و روابط با کشورهای اسلامی، به خصوص کشور بزرگی چون عربستان سعودی، دستیابی به اتحاد مسلمانان است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (اصل یازدهم) نیز با استناد به آیه شریفه "ان هذه امنکم واحده و انا ربکم فاعبدون" اصل وحدت بین مسلمین را به عنوان امری مهم و اصل راهبردی در سیاست خارجی تصریح نموده و بیان می‌دارد: "دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملت‌های اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد." تصمیمات سرنوشت ساز، همواره نیاز به اراده بزرگان دارد. ایران و عربستان سعودی دو کشور بزرگ در منطقه‌اند که هر یک نقش منحصر به فردی داشته و به وضوح نماد بارز و تشیع و تسنن در کشورهای اسلامی محسوب شده و هر یک

منابع خاص خود را در اختیار دارند. به علاوه عربستان سعودی به برکت خانه خدا و اماکن متبرکه قطب عالم اسلام و جمهوری اسلامی ایران دارای موقعیت استراتژیکی و ژئوپلیتیکی ویژه‌ای است. ولی اکنون بر پا داشتن "طاق نصرت" امنیت منطقه‌ای و وحدت اسلامی در دو سوی خلیج فارس، تنها در صورت همکاری در سایه اعتماد متقابل تحقق پذیر است که میوه شیرین آن صلح، امنیت، اقتدار و شکوفایی همه جانبه در سطح منطقه و جهان اسلام بوده و موجب بازیابی مجدد نقش آن کشور در سایه همگرایی با ایران است. (رجبعلی نژاد، ۱۳۸۹: ۱)

### پیوستگی جغرافیایی

امروزه با وجود دستیابی بشر به امکانات و تجهیزات ارتباطی و سلاح‌های پیشرفته با برد وسیع، موقعیت جغرافیایی کشورهای منطقه، داده‌های سیاست خارجی آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهد. موقعیت حساس و استثنایی منطقه خلیج فارس و اهمیت آن در مبادلات اقتصادی و تجاری جهان، نقش راهبردی آن در معادلات امنیتی- دفاعی کشورهای قدرتمند و رقیب، همچنین موقعیت خاص آن در تعاملات کشورهای منطقه، خلیج فارس را به صورت یک واحد بزرگ جغرافیایی مشترک برای کشورهای منطقه و به خصوص دو کشور بزرگ و مهم ایران و عربستان درآورده که ضرورت همگرایی برای حفظ ثبات و امنیت آن و بهره‌وری از منابع اقتصادی و نظامی آن و همچنین کنترل این منطقه امری حیاتی به شمار می‌ورد و خود انگیزه‌ای است برای رفع اختلاف‌ها و چالش‌ها بین دو کشور و سایر کشورهای منطقه و در مقابل، تلاش برای همکاری و وفاق و ائتلاف<sup>۲</sup> در چارچوب‌های سیاسی، امنیتی، دفاعی و سیاسی است. (بابایی، ۱۳۸۴: ۲۷۸)

با این شرایط دو کشور ایران و عربستان که دارای موقعیت راهبردی هستند. همگرایی آنها تاثیرات جدی و موثری بر منطقه جهان اسلام می‌گذارد زیرا دو کشور ایران و عربستان تغییرهای مهمی از استراتژی جهان اسلام را تشکیل می‌دهند و هرگونه تحولی که در این دو کشور رخ دهد، تاثیر جدی در جهان اسلام خواهد داشت. همچنین بدون شک عربستان در میان کشورهای عربی و به ویژه خلیج فارس اهمیت زیادی دارد و در مقابل، ایران و عربستان در بین کشورهای اسلامی و آسیای مرکزی دارای جایگاه شایسته‌ای هستند و به همین دلیل بر توافق و نزدیکی بین این دو کشور به سود تمام کشورهای اسلامی است. (سبحانی فر، ۱۳۸۳: ۲۰)

### سازمان اوپک

اوپک اگر چه یکی از میادین مهم رقابت ایران و عربستان است ولی می‌تواند عامل همکاری

دو کشور نیز باشد. کشور عربستان سعودی به عنوان یکی از عناصر اصلی سازمان اوپک و شاید به دلیل سهم بزرگ خود در این سازمان اصلی‌ترین عضو در آن محسوب می‌شود. از آنجایی که سهم اوپک در بازار جهانی نفت از رقم بالایی برخوردار است اهمیت این سازمان بیش از پیش آشکار می‌شود. وجود ایران به عنوان یکی دیگر از اعضای مؤسس این سازمان، مسائل درون اوپک و روابط بین ایران و عربستان را هرچه بیشتر تحت تاثیر قرار می‌دهد. ضعف دو دهه گذشته اوپک که از دو دستگی در درون این سازمان ناشی گردیده تا حد زیادی به علت عدم برخورد صحیح عربستان بوده و این کشور با داعیه رهبری اوپک در دوره مورد نظر همواره سیاست‌های ویژه خود را در این سازمان اعمال نموده است.

بدون تردید چنانچه این دو کشور به سوی همگرایی حرکت کنند تا حد زیادی توانایی خواهند داشت تا دست بیگانگان و قدرت‌های بزرگ را از نفت این منطقه به قیمت ارزان کوتاه کنند. در صورت تجدید حیات قدرت اوپک این کشورها قادر خواهند بود از محل درآمدهای نفتی، بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و رفاهی خود را مهار نمایند. (سبحانی و دیگران، ۱۳۷۷: ۱۴)

### عوامل واگرایی روابط ایران و عربستان

- ماهیت رقابتی روابط ایران و عربستان

در رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عربستان می‌توان جلوه‌هایی از رقابت ایدئولوژیک و ژئوپلیتیکی را مورد ملاحظه قرار داد. فعال سازی متحدین و حمایت از گروه‌های دست نشانده بخش دیگری از نشانه‌های رقابت دو کشور محسوب می‌شود. در واقع روابط ایران و عربستان همواره ماهیت رقابتی و تقابلی داشته و در سیر تاریخ روابط دو کشور، دوره‌های تعامل و همکاری همواره در سایه رقابت دو کشور بوده است. موضوعات منطقه‌ای متعددی موجب بوجود آمدن این دیدگاه تقابلی گشته و رسیدن به ثبات و تفاهم در روابط متقابل را سخت نموده است. در واقع اینگونه رقابت‌ها به حوزه‌ها جغرافیایی متعددی تحول پیدا نموده است. عراق، لبنان، بحرین، سوریه و اکنون یمن، اینها حوزه‌هایی است که ایران و عربستان در آن دیدگاه تقابلی دارند. (صادقی، ۱۳۸۹: ۱۳۷)

- تضادهای ایدئولوژیک

پادشاهی عربستان سعودی خود را "ام القرای" جهان اسلام می‌داند و در بعد منطقه‌ای و فراتر از آن در جهان اسلام نقش مهم برای خود قائل است و با استفاده از امکانات مالی و مزیت منحصر به فرد خود یعنی وجود "حرمین شریفین" در سرزمین وحی و با حمایت از کشورهای همسو و

جریانات وابسته به خود در کشورها اسلامی، در پی بسط حوزه نفوذ منطقه‌ای خود است. سعودی-ها معتقدند که ایران به دنبال گسترش تشیع در خلیج فارس و سایر کشورهای منطقه است. مهم‌ترین مسائل تهدیدآمیز مطرح شده از سوی سعودی درباره ایران، سیاست صدور انقلاب و تلاش برای سرنگونی دولت‌های منطقه، ایجاد هسته‌های خفته هواداران ایران در کشورهای عربی، آموزش اتباع کشورهای عربی برای انجام عملیات به اصطلاح خرابکارانه، تلاش برای بین‌المللی کردن حرمین شریفین و طرح شعارهای ضدآمریکایی و ضدصهیونیستی به منظور جلب نظر اهل سنت منطقه می‌باشد.

سعودی‌ها معتقدند که ایران برای گسترش تشیع در خلیج فارس و سایر کشورهای منطقه تلاش می‌کند. رسانه‌های وابسته به عربستان در این خصوص به اقداماتی مانند برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی، فعالیت‌های مجمع جهانی اهل بیت<sup>۱</sup>، جامعه المصطفی، بورسیه کردن دانشجویان مسلمان، تاسیس حوزه‌های علمیه در آفریقا، هند، آمریکای لاتین و سایر مناطق، استفاده از اینترنت برای گسترش تشیع، گسترش شبکه‌های تلویزیونی به زبان‌های خارجی، انتشار کتب شیعی در کشورهای سنی نشین و اقدامات جمهوری اسلامی ایران در مراسم حج و عمره برای ارتباط با مسلمانان سایر کشورها اشاره می‌کنند.

از نگاه ایران، عربستان سعودی با توجه به ماهیت سلفی خود و با سوءاستفاده از اقبال مردم مسلمان به حرمین شریفین به عنوان قبله گاه مسلمین و مزار پیامبر اکرم(ص) تلاش می‌کند تا اندیشه سلفی وهابی را در جهان اسلام گسترش دهد و با حمایت از جریان‌های تندروی کشورهای مختلف مانند پاکستان و افغانستان، شیعیان این کشورها را مورد تهدید و ترور قرار داده و آنان را کافر و خارج از اسلام معرفی نماید. همچنان که شیعیان عربستان همواره تحت فشار مضاعف بوده و از تبعیض و خفقان حاکم بر آنان به شدت رنج می‌برند. مقامات عربستان سعودی می‌کوشند با استفاده از نفوذ منطقه‌ای خود در کشورهای حوزه خلیج فارس و سایر کشورهای همسو در منطقه عربی و جهانی اسلامی، جمهوری اسلامی ایران را به عنوان تهدید اصلی کشورهای اسلامی جایگزین رژیم صهیونیستی کنند.

عربستان سعودی همواره خود را در نقش مدافع تمام عیار اهل سنت معرفی کرده و نسبت به کاهش نقش اهل سنت در عراق، لبنان و کشورهای همجوار خود مانند بحرین به شدت حساسیت نشان می‌دهد.

## تقابل نظام پادشاهی در عربستان و مردم سالاری در ایران

عربستان سعودی کشوری است پادشاهی که پادشاهان این کشور به طور موروثی از میان فرزندان عبدالعزیز نخستین پادشاه این کشور انتخاب گردیده و سیاست ورزی در این کشور کاملاً در اختیار خاندان حاکم یعنی آل سعود قرار دارد. اساساً تاسیس نظام سعودی در سال ۱۹۳۲ فاقد پشتوانه و حمایت‌های مردم سرزمین عربستان بوده است و عبدالعزیز نخستین پادشاه این کشور با قیام مسلحانه و کنار گماردن رقیبان توانسته خاندان آل سعود را بر این کشور حاکم نماید. (حمدان، ۲۰۱۳: ۲۳۲)

در سال ۲۰۰۵ عربستان برای اولین بار در راستای چیزی که از آن با عنوان اصلاحات سیاسی نام برد اقدام به برگزاری انتخابات شوراهای شهر نمود. در این انتخابات که زنان از شرکت در آن محروم بودند، نیمی از کرسی‌های این شوراها به رای عمومی گذاشته شده بود. حدود اختیارات این شوراها بسیار محدود و در امور محلی نظیر اداره امور بوستان‌ها، پیاده روها و ... بوده است. بنابراین مشاهده می‌گردد که نقش مردم عربستان در اداره امور این کشور نهایتاً در سطح اداره امور مرتبط با بوستان‌ها بوده و آن هم نه به صورت کامل بلکه با انتخابی بودن نیمی از کرسی‌های این شوراها صورت می‌گیرد. (وب سایت العالم، ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۰)

## اختلافات فرهنگی، ملی، قومی و مذهبی (عرب، عجم)

در استعداد خارق العاده تاریخ و تمدن پیچیده ایران، این کشور به یک تجربه ملی چند وجهی و بگرنج و میراثی از یک فرهنگ ملی غنی و پیچیده مجهز شده است. خصوصیت عمده فرهنگ ایرانی از تجربه تاریخی، خصوصیت فرهنگ خلاق، سنت دولت مداری، ماهیت مناسبات اجتماعی متقابل، نقش فرد و خانواده در حاکمیتی فوق العاده اقتدارگرا نشات می‌گیرد. ایران دارای یکی از کهن‌ترین فرهنگ‌های جهان است که سابقه آن به پیش از بنیان‌گذار امپراتوری هخامنشی در قرن ششم قبل از میلاد یعنی نخستین امپراتوری شناخته شده جهان در تاریخ، یعنی کوروش کبیر می‌رسد. (خاتمی، ۱۳۸۰: ۴۷) اعراب هم نسبت به تاریخ خود عمیقاً احساس سربلندی می‌کنند. اما طی قرون متمادی این مفهوم که چه کسی عرب محسوب می‌شود، در معرض تغییر فراوان بوده است.

اصطلاح "عرب" در اصل به بادیه نشینان شبه جزیره عربستان گفته می‌شد که آنها هم، مورد طعن ایرانیان بودند. اعرابی که در بادیه زندگی می‌کردند از فرهنگ شهرنشینی و مدائن، عاجز

بودند و غذاهای بیابانی خوراکیشان را تامین می‌نموده است. (مارتین، ۱۳۸۳: ۶۹) عربستان سعودی شکاف قومی ایران و اعراب را برجسته نموده و همواره از طریق رسانه‌های وابسته به خود تبلیغ می‌کند که ایرانی‌ها خصومت دیرینه‌ای با اعراب دارند و بدینوسیله تلاش می‌کنند با استفاده از حربه‌های قومی و تاکید بر ناسیونالیسم عربی بین ایران و کشورهای عرب منطقه فاصله ایجاد کند. پادشاهی عربستان می‌کوشد در همه مناقشاتی که زمینه شیعی- سنی و یا عربی- عجمی دارد به منازعات دامن بزند تا رهبری خود بر جهان عرب یا حداقل کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس را تثبیت کند و نیروهای منطقه را پشت سر خود نماید

### - عراق

عراق را می‌توان به عنوان یکی از حوزه‌های اصلی رقابت ایران و عربستان سعودی دانست. پس از اشغال عراق و سقوط صدام که منجر به قدرت گیری شیعیان از یک سو و به حاشیه رفتن سنی‌ها در قدرت از سوی دیگر شد، تقابل دو دیدگاه ایران و عربستان هم افزایش پیدا کرد. عربستان به قدرت رسیدن شیعیان عراق به عنوان اکثریتی که دارای پیوندهای تاریخی مشترک با ایران بودند را خطری برای گسترش هلال شیعی<sup>۱</sup> در منطقه می‌دانست. در واقع دولت عربستان از دو جهت از روی کارآمدن دولت شیعی در عراق ناراضی و ناخشنود است. اول اینکه به دلیل نبود ساختارهای دموکراتیک در عربستان، روند اجرای دموکراسی در عراق به عنوان نخستین کشور عربی منطقه می‌تواند به مثابه الگویی، کشورهای منطقه را تحت تاثیر قرار دهد. از سوی دیگر ماهیت شیعی حکومت انتخابی در عراق از نظر حاکمان عربستان حائز اهمیت فراوان است. قدرتمند شدن شیعیان در منطقه علاوه بر آنکه موجب کاهش نفوذ پذیری منطقه از سیاست‌های عربستان می‌شود، زمینه تقویت شیعیان را که بیشتر از ۴ درصد از جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند فراهم می‌آورد. تهاجم نظامی آمریکا به عراق در مارس ۲۰۰۳ و سرنگونی رژیم صدام حسین تاثیر بسیاری بر منطقه خاورمیانه و نظام بین‌المللی داشته است. نظم گذشته در عراق فرو ریخته و هر یک از بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تلاش کردند تا نظم مورد نظر خود را در این کشور برقرار سازند. صرف نظر از ایالات متحده آمریکا که به عنوان بازیگر قدرتمند فرامنطقه‌ای<sup>۱</sup> به بازیگر اصلی صحنه عراق تبدیل شد، کشورهای دیگر منطقه از جمله عربستان سعودی و ایران رقابت جدی جهت شکل دهی مناسب به روند اوضاع عراق را آغاز کردند. به ویژه آنکه به رغم حساسیت‌های مذهبی و قومی دولت عربستان، بالاخره پس از روندی دموکراتیک دولت شیعی در

عراق قدرت را در دست گرفت. عاملی برای اختلال امنیت سیاسی منطقه خاورمیانه می‌باشد و باورمندان به این اندیشه، به شدت به استفاده از این واژه اصرار دارند.

حاکمان دولت عربستان امیدوار بودند پس از سرنگونی صدام حسین، در بدترین شرایط یک رژیم لیبرال که صرفاً تنش‌های حاد در روابط خود با جمهوری اسلامی ایران نداشته باشد قدرت را در دست گیرد. اما این امیدواری با روی کار آمدن شیعیان طرفدار ایران در انتخابات ژانویه ۲۰۰۵ به یاس و ناامیدی تبدیل شد. رفتار آمریکا در عراق خشم کشورهای عربی و در راس آنها عربستان را برانگیخت. زیرا به رسمیت شناختن شیعیان در راس قدرت در عراق را سرآغاز نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه تلقی می‌نمایند. (اکونومیست، ۲۰۰۲: ۶). در هر حال، کشورهای عرب منطقه و در راس آنها عربستان سعودی از تحولات عراق ناراحتی و نگران این موضوع هستند که عراق به عنوان الگویی تبدیل شود و موجبات تغییر ساختار سیاسی را در دولت‌های منطقه فراهم آورد. (مستقیمی و ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۲۷۲) از میان کشورهای عرب منطقه به نظر می‌رسد عربستان سعودی بیش از سایرین نگران اوضاع عراق است و خود را در رقابت جدی تر با ایران در این کشور می‌بیند. بنابراین تحولات داخلی عراق را به دقت تعقیب می‌نماید. یکی از مقامات عربستانی که به شدت سیاست‌های ضدایرانی را دنبال می‌کند شاهزاده بندر بن سلطان است.

#### - سوریه

بحران سوریه پازل اختلافات ایران و عربستان را تکمیل نمود و نشان داد که ماهیت روابط دو کشور قدرتمند خلیج فارس، رقابت‌های ژئوپلیتیکی منطقه را وارد دیدگاه‌های تقابلی جهانی نمود و عربستان و ایران را در دو رویکرد که جبهه‌ای از کشورها را در مقابل هم قرار داده است، وارد نمود. اما کافی بود تا فضای رقابت و تقابل را در روابط دو کشور نمایانگر سازد. عربستان مشخصاً سوریه را از نگاه رقابت‌های منطقه‌ای با ایران می‌بیند، رقابتی که عربستان دامنه آن را بعد از بهار عربی گسترده‌تر می‌بیند و نزدیکی گروه‌های مقاومت و به خصوص سوریه به ایران را به منزله بر هم خوردن تعادل منطقه‌ای و به حاشیه رفتن سیاست‌های سعودی می‌داند. بنابراین عربستان در هماهنگی با رویکرد عربی - غربی تلاش دارد تا موقعیت ایران در سوریه را کاهش دهد.

از این رو در چنین شرایطی عربستان برای محدودسازی قدرت ایران در خاورمیانه از گروه‌های معترض در سوریه حمایت می‌کند. (کرمی، ۱۳۹۱: ۱)

## مسئله هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران

از ابتدای مطرح شدن موضوع هسته‌ای ایران، عربستان نه تنها به صورت مستقل بلکه در چارچوب شورای همکاری خلیج فارس در مقاطع مختلف به اتخاذ موضع پرداخت. بدون تردید از آنجایی که روابط خارجی عربستان با سایر کشورها تا حدود زیادی تحت تاثیر سیاست خاورمیانه-ای آمریکا قرار دارد، می‌توان انتظار داشت مواضع عربستان نسبت به موضوع مهم هسته‌ای ایران که بسیار مورد توجه آمریکا و غرب می‌باشد، تحت تاثیر سیاست‌های آمریکا و غرب قرار داشته باشد. به طور کلی عربستان همواره در موضع گیری‌های جمعی در چارچوب شورای همکاری خلیج فارس علیه برنامه هسته‌ای ایران اتخاذ موضع کرده است.

موضع گیری در ۱۳ سپتامبر ۲۰۰۴ در اجلاس وزرای خارجه شورای همکاری خلیج فارس در جده، همچنین در بیانیه پایانی اجلاس سران در دسامبر ۲۰۰۶ ابوظبی و همچنین در اجلاس سران در فوریه ۲۰۰۶ در منامه از این جمله‌اند. در تمام بیانیه‌های یاد شده کشورهای شوروی همکاری خلیج فارس از برنامه اتمی ایران ابراز نارضایتی نموده‌اند. (مستقیمی و ابراهیمی، ۱۳۸۶:۲۷۵) در مجموع مواضع عربستان در خصوص مسئله هسته‌ای ایران منفی ولی توأم با احتیاط بوده است و غالباً نگرانی‌های زیست محیطی را در این خصوص مطرح نموده است. اما دو نکته دیگر وجود دارد. یک آنکه با مطرح شدن تهدیدات اسرائیل و آمریکا برای حمله به مراکز هسته‌ای ایران، عربستان گر چه باطنا مایل به پیوستن ایران به باشگاه اتمی جهان نیست اما به هیچ وجه تمایل ندارد که آمریکا و اسرائیل با آغاز جنگی دیگر در منطقه وضعیت موجود را بیش از پیش بحرانی نماید.

نکته دیگر آنکه عربستان به هیچ وجه نمی‌خواهد رقابت با ایران را در عرصه هسته‌ای واگذار نماید. بنابراین مقامات عربستانی صراحتاً اعلام نموده‌اند که خواهان انجام اقداماتی جهت توسعه تکنولوژی هسته‌ای در کشورشان هستند که البته انتقاد صریح آمریکا را در پی داشته است و راس وزیر خارجه سابق آمریکا فعالیت هسته‌ای عربستان را با وجود ذخائر عظیم نفت در این کشور سؤال برانگیز خواند. (گزارش راهبردی، ۱۳۸۰:۹)

## سیستم موازنه قوا و نقش عربستان سعودی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، همکاری عربستان سعودی و ایران برای نمایندگی هژمونی آمریکا در خلیج فارس پایان یافت. انقلاب اسلامی ایران با ترکیب جمهوریت و اصول

گرایی شیعی، به روابط نزدیک‌تر آمریکا و عربستان سعودی انجامید و هر دو کشور با نگرانی‌های مشترک، در صدد مهار انقلاب اسلامی برآمدند.

متعاقب شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، ایالات متحده سیاست موازنه قوا در خلیج فارس را دنبال کرد که در پی به تحلیل بردن قدرت عراق و ایران بود. برای عربستان سعودی، این استراتژی مطلوب بود. در سیاست موازنه قوای ایالات متحده بین ایران و عراق، عربستان از سوی ایران خطر بیشتری را احساس نمود و برای مهار فرآیند صدور انقلاب اسلامی، به عراق نزدیک شد. اگر چه عربستان سعودی در آغاز جنگ اعلام بی طرفی کرد ولی در واقع به طرق غیرنظامی به عراق کمک نمود. به عنوان مثال در طی هشت سال جنگ، عربستان سعودی ۲۵ میلیارد دلار وام و بهره پایین به عراق اعطاء کرد.

این کشور همچنین بخشی از تولید خود در حوزه‌های نفتی منطقه بی طرف عربی (عراق - عربستان) را به عراق اختصاص داد و یک خط لوله نفتی برای انتقال نفت عراق از طریق خاک خود احداث نمود. به رغم سرمایه گذاری مالی قابل ملاحظه در اتحاد سیاسی با عراق، روابط عربستان سعودی با این کشور پایدار نبود. در آگوست ۱۹۹۰ و تنها دو سال پس از آتش بس میان ایران و عراق، نیروهای آن کشور به طور غیرمنتظره کویت را به اشغال خود در آوردند. از نظر عربستان سعودی، این اقدام عراق تهدیدی جدی و مستقیم برای امنیت عربستان محسوب می‌شد. تا حدی که تهدید اعمال شده از سوی انقلاب از چنان اهمیت و فوریتی برخوردار نبود. عربستان سعودی در همین راستا از ایالات متحده برای گسیل نیروهای نظامی و مقابله با این تهدید، تقاضای کمک کرد. نگرانی عربستان در ارتباط با اهداف و نیت بغداد، باعث شد که به طور مستقیم و علیه آن کشور در ژانویه و فوریه ۱۹۹۱ وارد جنگ شود.

اگر چه ایالات متحده آمریکا، قدرت اصلی نظامی در ائتلاف جنگ بود ولی پایگاه‌های هوایی عربستان سعودی برای حمله به اهداف عراقی، منطقه اصلی عملیات محسوب می‌شد. علاوه بر آن، نیروهای نظامی عربستان در همه مراحل عملیات از جمله بمباران هوایی و حمله نظامی مشارکت داشتند. ([www.lcweb2.loc.gov](http://www.lcweb2.loc.gov)) عراق با پرتاب چند موشک اسکادب به ریاض و دیگر شهرهای عربستان به این حملات پاسخ داد. این نخستین منازعه بعد از تهاجم به یمن در سال ۱۹۳۴ بود که در آن عربستان علیه دولتی عربی وارد جنگ می‌شد.

رهبران سعودی تا اندازه‌ای از شکست عراق در این جنگ استقبال نمودند. پس از پایان جنگ، سیاست عربستان بر مهار تهدیدهای بالقوه عراق برای عربستان و منطقه تمرکز یافت. از وجوه این سیاست می‌توان که به حمایت از نیروهای اپوزسیون عراق که به دنبال سرنگونی حکومت صدام حسین بود اشاره نمود. این اقدام اگر چه در گذشته به طور سری انجام می‌شد ولی از آغاز سال ۱۹۹۲ صورت آشکار یافت و عربستان در آن سال چند تن از رهبران اپوزسیون عراق را برای یک کنفرانس تبلیغاتی دعوت نمود. ملک عبدالله ولیعهد عربستان، اجازه پوشش خبری این نشست را به رسانه‌ها داد تا نارضایتی این کشور از رژیم بعث عراق آشکار شود. برخلاف روابط پر فراز و نشیب با ایران و عراق، روابط عربستان سعودی با دولت‌های کوچک تولید کننده نفت در همسایگی شرقی‌اش بسیار نزدیک بوده است. در سال ۱۹۸۱ عربستان با همکاری با همکاری موناشری‌های بحرین، کویت، عمان، قطر و امارات، سازمان اقتصادی و امنیت دسته جمعی را در سطح منطقه‌ای تشکیل دادند. جنگ ایران و عراق در سپتامبر ۱۹۸۰، باعث شد که عربستان همسایگان خود را برای تشکیل این پیمان دفاعی متقاعد نماید. در طی مراحل اولیه جنگ نیروهای عراقی به پیروزی‌های بزرگی در داخل خاک ایران نایل شدند. به رغم بی اعتمادی مقامات عربستان به رژیم انقلابی تهران، موفقیت‌های اولیه عراق، سعودی‌ها را نگران کرد. در واقع شکست ایران می‌توانست باعث اغوای بغداد برای در پیش گرفتن سیاست تجاوزکارانه علیه دیگر کشورهای به ویژه در شبه جزیره عربستان شود.

نمایندگان عربستان سعودی و پنج کشور دیگر حوزه خلیج فارس در ژانویه ۱۹۸۱، برای بحث پیرامون تشکیل اتحادیه، با یکدیگر ملاقات کردند و چهار ماه بعد شورای همکاری خلیج فارس رسماً تاسیس شد. اگر چه جنگ ایران و عراق از زمان شروع تا آتش بس در سال ۱۹۸۸ دغدغه اصلی این شورا بود ولی موضوع نگران کننده امنیتی اعضاء از اواخر سال ۱۹۸۱ متوجه تهران شد. در آن زمان کاملاً آشکار شده بود که عراق قادر به شکست ایران نیست. حتی قبل از اینکه جنگ آغاز شود، سعودی‌ها و دیگر متحدین آنها تصور می‌کردند که ایران تظاهرات و آشوب‌هایی را در میان جمعیت شیعه ساکن این کشورها برانگیخته است. نگرانی از جمهوری اسلامی ایران در دسامبر سال ۱۹۸۱ تشدید شد. در آن هنگام پلیس بحرین اعلام کرد که گروهی مخفی تحت عنوان جبهه اسلامی آزادی بخش بحرین را که از سوی تهران حمایت می‌شود، دستگیر کرده است.

سعودی و دیگر حکام خلیج فارس معتقد بودند که این گروه غیرقانونی، برنامه‌ای برای ترور مقامات بحرین و سرنگونی رژیم حاکم داشته و از سوی سفارت ایران در منامه تجهیز شده است. این حادثه، عربستان سعودی را متقاعد کرد که ایران از گروه‌های تروریستی حمایت می‌کند. نتیجه این امر حمایت آشکار سعودی‌ها از عراق در جنگ این کشور علیه ایران بود. (ابراهیمی، ۱۳۸۳: ۲۰) با پایان جنگ ایران و عراق، کشورهای خلیج فارس و به ویژه عربستان سعودی متوجه تهدیدی بزرگ شدند. عراق قوی و قدرتمند، از نظر نظامی تهدیدی علیه همسایگان خود بود. در پایان سال ۱۹۸۸ که عراق فشار به کویت را برای انضمام جزایر آن کشور به خاک خود آغاز نمود، تنش بین دو همسایه سیر صعودی یافت و نهایتاً در آگوست سال ۱۹۹۰ به تهاجم عراق و اشغال کویت منجر شد. این تجاوز باعث شد تا کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به آسیب پذیری‌های خود و عدم برخورداری از توان کافی برای جلوگیری از تجاوز پی ببرند. عربستان سعودی که بیشتر از همه نگران بود، خواستار همکاری ایالات متحده و دیگر متحدین خود شد. همه کشورهای عضو شورا در ائتلاف جنگ علیه عراق، با آمریکا همکاری نظامی کردند. متعاقب خروج عراق از کویت، این کشورها تصمیم گرفتند که اتحادهای امنیتی با خارج از منطقه خلیج فارس برقرار نمایند. بر این اساس، عمده شیخ نشین‌ها خلیج فارس از سال ۱۹۹۲، شروع به عقد قراردادهای دفاعی دوجانبه با دیگر کشورها و از جمله آمریکا نمودند. از این زمان حضور آمریکا در خلیج فارس افزایش یافت و استراتژی موازنه قوا در دوره کلینتون جای خود را به استراتژی مهار دوجانبه داد. (همان: ۲۵-۲۴)

### عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران: موازنه سازی و گسترش نفوذ

عربستان سعودی و ایران از زمان خروج انگلستان از خلیج فارس در دهه ۱۹۷۰، دو بازیگر اصلی منطقه‌ای در خلیج فارس و خاورمیانه بوده‌اند. این دو بازیگر در کنار عراق، سه قدرت منطقه‌ای محسوب می‌شوند که نوع رویکرد و تعاملات آنها در منطقه و همچنین روابط آنها با قدرت‌های فرامنطقه‌ای، در شکل دهی به ترتیبات و شرایط سیاسی و امنیتی منطقه از عوامل عمده تلقی می‌شود. روابط و رویکردهای متقابل عربستان سعودی و ایران، در طول چند دهه گذشته دوره‌های متفاوتی را پشت سر گذاشته و فراز و نشیب‌هایی داشته است. با این حال این روابط به رغم برخی همکاری‌ها همواره با رقابت‌ها و تعارضاتی نیز همراه بوده است.

عوامل و دلایل متعددی در تغییر رویکردهای ایران و عربستان سعودی در قبال یکدیگر و روابط آنها تاثیرگذار است. عوامل ساختار مانند ساختار قدرت در نظام بین‌الملل و سطح منطقه، ساختار رژیم‌های سیاسی در دو کشور، عوامل و بسترهای تاریخی و فرهنگی - مذهبی، از مؤلفه‌های با ثبات و با تاثیرگذاری بیشتر بر روابط هستند. اما عواملی مانند تغییرات دیدگاه‌های رهبران سیاسی و تحولات داخلی دو کشور و همچنین تحولات و روندهای منطقه‌ای، از مؤلفه‌هایی هستند که به تغییر در رویکردها و روابط عربستان سعودی و ایران منجر شده است. در این راستا کانون‌های اصلی منطقه‌ای تمرکز سعودی‌ها برای ایجاد توازن و گسترش نفوذ در مقابل ایران مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

### عراق؛ کانون اول موازنه و نفوذ

حمله آمریکا به عراق و تغییر رژیم در این کشور، سرآغاز مجموعه تحولات و روندهایی در منطقه خاورمیانه بود که در حال تغییر در توازن قدرت سنتی در منطقه است. این روند به ویژه در جهت افزایش قدرت و نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران تلقی شده است و بسیاری از بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را به سوی نوعی همکاری و تعامل در جهت توازن سازی در مقابل ایران و جلوگیری از گسترش نفوذ آن سوق داده است. در این زمینه چارچوب عربستان سعودی در مقایسه با سایر بازیگران، تلاش و اقدامات بیشتری را به انجام رسانده است. منطقه خلیج فارس از چندین دهه گذشته عرصه رقابت سه قدرت اصلی منطقه‌ای یعنی ایران، عربستان سعودی و عراق بوده است. سعودی‌ها در دهه‌های گذشته همواره بخشی از توازن قدرت منطقه‌ای در خلیج فارس بوده‌اند و عمدتاً سعی کرده‌اند تا با توازن سازی بین ایران و عراق، نگرانی‌های امنیتی خود را کاهش دهند.

در دهه ۱۹۷۰، توازن قدرت در خلیج فارس بر اساس تعاملات ایران دوره پهلوی و عربستان سعودی و ایجاد توازن این دو بازیگر در مقابل عراق قرار داشت؛ نوعی از توازن و معادلات منطقه‌ای که متأثر از ساختار دوقطبی قدرت در نظام بین‌الملل دوره جنگ سرد و اتحادها و رقابت‌های منطقه‌ای مبتنی بر آن بود. در دهه ۱۹۸۰، سعودی‌ها حمایت از عراق به خصوص در دوره جنگ در مقابل ایران را برای توازن سازی انتخاب کردند. در دهه ۱۹۹۰ و بعد از اشغال کویت از سوی صدام، با وجود سیاست مهار دوگانه ایران و عراق از سوی آمریکا، سعودی‌ها سیاست تعامل و

همکاری متعادل با جمهوری اسلامی ایران را تعقیب کردند که به نوعی در مقابل عراق تضعیف شده محسوب می‌شد.

تغییر رژیم در عراق، به قدرت رسیدن شیعیان و کردها در قالب روند دموکراتیک و کاهش قدرت اعراب سنی، باعث شد تا نظام سیاسی جدیدی در عراق پدیدار شود که با توجه به سیاست خارجی متفاوت آن از رژیم بعث، معادلات استراتژیک و توازن قدرت در منطقه را وارد فاز جدیدی نماید. نظام سیاسی جدید عراق، برخلاف رژیم بعث که گرایش و رویکردهای ضدایرانی شدیدی داشت و عمدتاً به عنوان بازیگری موازنه بخش در مقابل ایران محسوب می‌شد، در برگیرنده رهبران سیاسی‌ای است که به گسترش روابط سیاسی با جمهوری اسلامی علاقه مند هستند. شرایط جدید امیدها و بسترهایی را برای ایجاد روابط استراتژیک بین دو کشور ایجاد نموده است و این مسئله که به مفهوم تغییر در توازن استراتژیک سنتی است، باعث نگرانی رهبران سعودی شده است. با توجه به ناخرسندی عربستان سعودی از شرایط و ساختار جدید قدرت در عراق و پیامدهای منطقه‌ای آن، این کشور رویکرد منفی در قبال عراق جدید در پیش گرفت. سعودی‌ها نه تنها اقدامی برای حمایت از روند سیاسی و برقراری روابط دیپلماتیک با عراق انجام ندادند، بلکه حتی در قبال ورود تروریست‌های عرب به عراق و بی‌ثبات سازی آن کشور، با تاهل برخورد کردند. موضوعی که باعث انتقاد و اعتراض مقامات مختلف عراقی از سعودی‌ها شد. با این حال، با گذار عراق از شرایط وخیم نامنی و بی‌ثباتی‌ها و ایجاد ثبات و امنیت نسبی در این کشور و همچنین موفقیت نسبی روند سیاسی، رویکرد دولت سعودی در عراق با تغییراتی همراه شد.

با کاهش فعالیت‌ها و تحرکات القاعده عراق و شورشیان سنی از یک سو و ورود تدریجی سنی‌ها به روند سیاسی که به خصوص در انتخابات شوراهای استانی عراق در سال ۲۰۰۹ نمودار شد، عربستان سعودی مؤلفه جدیدی را در سیاست خارجی خود در قبال عراق وارد نمود. این مؤلفه جدید حمایت از احزاب و گروه‌های سنی برای مشارکت موثرتر در قدرت سیاسی، به منظور ایجاد موازنه در مقابل گروه‌های شیعی در پیوند با ایران بود. سیاستی که در راستای تلاش‌های این کشور برای کاهش نفوذ و تاثیرگذاری جمهوری اسلامی ایران در عراق تلقی شد. در انتخابات پارلمانی مارس ۲۰۱۰ عراق، عربستان سعودی از ائتلاف العراقيه به عنوان نماینده اهل تسنن عراق و به ویژه رویکردهای متفاوت و غیردوستانه آن نسبت به جمهوری اسلامی ایران حمایت

نمود. حمایت مالی و اطلاعاتی سعودی‌ها از عراقیه و سفر ایاد علاوی به عربستان سعودی و دیدار با رئیس سازمان اطلاعات این کشور، در این راستا قابل اشاره است.

بعد از برگزاری انتخابات پارلمانی و کسب بیشترین تعداد کسی‌ها از سوی لیست عراقیه، سعودی‌ها خواستار تشکیل دولت از سوی ایاد علاوی شدند؛ چرا که ریاست علاوی بر دولت و بازگشت نوبعی‌ها به راس هرم قدرت سیاسی در عراق، می‌تواند به محدود شدن روابط ایران و عراق و حتی ایجاد تنش و خصومت در روابط ایران و عراق منجر شود. طرح ملک عبدالله پادشاه سعودی، در دعوت از گروه‌های عراقی جهت حضور در این کشور برای مصالحه و توافق به منظور تشکیل دولت، در آستانه توافق گروه‌های عراقی جهت تشکیل دولت به نخست‌وزیری نوری مالکی، تلاش‌هایی جدی سعودی‌ها برای برهم زدن معادلات عراق و توافق گروه‌ها بود. مسئله‌ای که ممکن بود بتواند به توافقات متفاوتی در تشکیل دولت منجر شود که باعث کاهش نقش گروه‌های شیعی و به تصور سعودی‌ها کاهش نفوذ و تاثیرگذاری جمهوری اسلامی ایران در عراق می‌شد. بر این اساس است که بخش عمده سیاست‌های عربستان سعودی در عراق را می‌توان به کاهش نقش آفرینی و تاثیرگذاری جمهوری اسلامی ایران در این کشور در راستای استراتژی کلان توازن سازی در برابر ایران محسوب نمود. با این حال حوزه‌های دیگری مانند لبنان و فلسطین، از دیگر حوزه‌ها و کانون‌هایی هستند که عربستان سعودی سعی در افزایش نفوذ خود در آنها و توازن سازی در برابر جمهوری اسلامی ایران دارد.

### رقابت منطقه‌ای عربستان و ایران در بحرین

رقابت منطقه‌ای ایران و عربستان در بحرین نیز برقرار بود. مردم بحرین به دنبال گسترش موج بیداری اسلامی در سطح منطقه غرب آسیا در ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ به نشانه اعتراض به سیاست‌های رژیم حاکم به خیابان‌ها آمده و در میدان لؤلؤ شهر منامه اجتماع نمودند. اوج اعتراضات مردمی در تاریخ ۲۲ فوریه همان سال رخ داد که حدود صد هزار نفر از مردم بحرین با حضور در تظاهرات خیابانی اعتراض خود به عملکرد آل خلیفه را نشان دادند. (دهشیری و عبدالله خانی، ۱۳۹۴: ۶۳)

طبیعی بود که قیام مردم بحرین از زمینه‌ها و محرک‌های پیشینی نیز برخوردار بود اما سه عنصر مداوم وابستگی آل خلیفه به غرب، گسترش دیکتاتوری خاندان حاکم و همچنین شرایط نا-مطلوب اقتصادی از مهمترین علل نارضایتی مردم بحرین بود. (رضایی و جهانیان، ۱۳۹۳: ۱۹۱)

عربستان که امنیت بحرین را مسئله امنیت ملی خود تلقی می‌نمود با دخالت آشکار در تحولات بحرین سعی در مهار قیام مردم بحرین داشت. هم پیمانی آل خلیفه با آل سعود و همچنین همجواری بحرین با بخش شرقی و شیعه نشین عربستان برای آل سعود قابل اغماض نبود به همین سبب در تاریخ ۲۳ اسفند ۱۳۸۹ هزاران سرباز سعودی در قالب نیروهای سپر شبه جزیره عربی به خواست آل خلیفه وارد بحرین شدند تا به آل خلیفه در سرکوب معترضین بحرینی کمک نمایند. ورود نیروهای عربستان از طریق پلی که میان عربستان و بحرین کشیده شده بود صورت پذیرفت. همچنین سعودی‌ها همه تلاش خود را به کار بستند تا اعتراضات اساسی مردم بحرین را به اختلافات ساده شیعه و سنی تقلیل داده و تحولات بحرین را ناشی از دخالت‌های جمهوری اسلامی ایران در این کشور قلمداد نمایند. (مدنی و هواسی، ۱۳۹۳: ۷۳)

اما از سوی دیگر جمهوری اسلامی ایران نقش مهمی در قیام مردم بحرین ایفا نموده است. این نقش که صرفاً جنبه معنوی و دیپلماتیک داشته است منجر به تقویت حرکت‌های انقلابی مردم بحرین گشته است. واقعیت این است که ایران به هر دلیلی در پشتیبانی لجستیکی این قیام مسالمت آمیز نقشی نداشته و البته همین جنبه معنوی بوده است که نگرانی مقامات سعودی را برانگیخته است. به هر روی ۷۵ درصد جمعیت شیعه بحرین به طور خودکار منجر به نزدیکی مردم این کشور با ایران نموده است. پیشینه اعتراضات گسترده و ادامه دار خیزش‌های شیعی در بحرین که به دهه ۱۹۸۰ و به دنبال انقلاب اسلامی ایران باز می‌گردد منجر به پر رنگ‌تر شدن نقش ایران در تحولات بحرین گشته است. (کوشکی، حسینی و قادری، ۱۳۹۳: ۹۱)

#### - یمن

آغاز جنگ داخلی در یمن میان دولت و شیعیان زیدیه، موسوم به هواداران حوثی و حمایت ریاض و تهران از دولت و مخالفان در یمن، موضوع دیگری بود که شکاف را در روابط دو کشور افزایش داد. ایران از حوثی‌ها حمایت می‌کرد و ارتش عربستان سعودی در کنار دولت یمن، وارد مقابله نظامی با حوثی‌ها شده بود. این اختلاف با تحولات بیداری اسلامی یا به تعبیری بهار عربی و رسیدن موج تحولات جهان عرب به این کشور باز هم افزایش یافت. مجادله ایران و عربستان بر سر اینکه نحوه گذار و کنار رفتن علی عبدالله صالح از قدرت می‌بایستی با چه مکانیسمی باشد و همچنین دوران پس از علی عبدالله صالح و فرار منصور هادی رئیس جمهور یمن به عربستان و

متعاقب آن، حملات گسترده هوایی عربستان به یمن و مواضع حوثی‌ها، پرونده اختلافات ایران و عربستان را سنگین‌تر نمود.

عربستان سعودی در سیاست خارجی خود بر مولفه‌های هویتی متعددی تکیه دارد که در بین آنها عربیت، اسلام وهابی، و حفظ نظام سلطنتی از حساسیت بیشتری برخوردارند. مهمترین تاثیر این مولفه‌های هویتی بر سیاست خارجی عربستان شکل دهی به مبانی بین‌ذهنی یا همان قواعد، هنجارها، رویه‌ها، انگاره‌ها و ایستارهای نشات گرفته از هویت عربستان است که در فرآیند تعامل با نیروهای داخلی و خارجی شکل گرفته‌اند از جمله اینها: تعصب و قبیله گرایی، سلفی گری، و در همین راستا جهاد با کافران و بدعت گزاران، و به تبع آن شیعه ستیزی است. برای درک بهتر اهمیت یمن در سیاست خارجی عربستان، ابتدا باید به بسترهای عملکرد سیاست خارجی عربستان توجه کرد تا اهمیت یمن در این چارچوب معنا پیدا کند. سیاست خارجی عربستان سعودی همزمان در سه سطح عمل می‌کند:

اول: سطح بین‌المللی که متاثر از روابط با آمریکا و نقش عربستان به عنوان یک قدرت نفتی است.

دوم: سطح منطقه‌ای که سعودی‌ها در حال انجام یک بازی موازنه قوا و افزایش نفوذ در میان بازیگران منطقه‌ای هستند.

سوم: سطح شبه جزیره عربی که هژمونی عربستان به شکل غیرمستقیم و غیررسمی مورد پذیرش دیگر اعضای مجموعه قرار دارد.

با توجه به اینکه در سطح سوم عربستان از قدرت لازم برخوردار است و مورد پذیرش رسمی و غیررسمی دیگر بازیگران مجموعه شورای همکاری خلیج فارس و همچنین در همسایگی‌اش در کشور یمن قرار دارد و چالش کمتری نسبت به دو سطح بین‌المللی و منطقه‌ای دارد، در صدد است تا نفوذ خود را حفظ کرده و در مقابل هر نوع حرکتی که بخواهد چالشی برای آن باشد واکنش نشان دهد. عربستان مطابق با سیاست سابق خود، یک یمن ضعیف از لحاظ سیاسی و اقتصادی را در همسایگی خود ترجیح می‌دهد و به نظر می‌رسد باز همان اتحاد و ائتلافی را که در گذشته با قبایل یمنی داشته است را در راستای فشار بر مقام‌های حکومت مرکزی حفظ کند. همچنین با توجه به تحولات چند سال اخیر، ترس از گذر موفقیت آمیز یمن به سوی دموکراسی، مقام‌های سعودی را بر آن می‌دارد تا با ابزارهای مختلف این امکان را از بین ببرند.

## نتیجه گیری:

روابط ایران و اعراب در طول ۱۴ قرن اخیر همواره روابطی مبتنی بر تنش و سوء تفاهم تاریخی بوده است. اگر چه عواملی چون دین اسلام، ژئوپلیتیک مشترک، نفت و ساختارهای قومی قبیله‌ای باعث نزدیکی و برخی مشابهات شده است، اما ذهنیت تاریخی عرب-عجم و شیعه - سنی همواره موجب فعال شدن تنش‌ها در دو بستر ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک شده است و خطوط گسل و واگرایی را در دو کرانه فعال کرده است. امروزه و در نظام منطقه‌ای خاورمیانه نیز این وضعیت تاریخی خود را به اشکال مختلف باز تولید کرده و دوگانه‌های عربی-عجمی و شیعی-سنی خود را در شکل رقابت‌های منطقه‌ای بر سر نفوذ نشان داده است. در این میان عربستان سعودی به عنوان پرچم دار نظام عربی بیش از سایر بازیگران دیگر عربی، ایران را رقیب منطقه‌ای خود می‌داند و عملاً در طول هفت دهه اخیر رهبری این رقابت و دوگانه‌سازی را به عهده داشته است.

ترکی فیصل معتقد است که سه اولویت عربستان امنیت، توسعه و نگاه به آینده است. ما باید با ائتلاف با آمریکا و کشورهای عربی و سازمان ملل، علیه تروریسم بجنگیم. ما باید حکومت قانونی یمن را به قدرت برگردانیم. در سوریه فاجعه انسانی رخ داده و جامعه جهانی کاری انجام نمی‌دهد تا بحران سوریه پایان دهد. ما نگران موضوع فلسطین هم هستیم.

اما اختلاف اساسی ما با سعودی به اختلاف ما با آمریکا برمی‌گردد. از ابتدای انقلاب، آمریکا ایران را در سه زمینه: ایجاد بی‌ثباتی در منطقه، ترویج تروریسم و صدور انقلاب متهم نموده است. این سه موردی است که سعودیها هم مرتب علیه ایران تکرار می‌کنند. ایران و عربستان هر دو خواستار ثبات هستند؛ اما در استراتژی و تاکتیک برای تأمین ثبات منطقه، اختلاف اساسی دارند. عربستان خواستار مکانیزمی است که امنیت منطقه تحت سلطه آمریکا تأمین شود و ایران به دنبال ساختاری است که امنیت منطقه توسط خود کشورهای منطقه تأمین شود. (در مورد اتهام هژمونی ایران، به بحران قطر-عربستان نگاه کنید). قطر بعد از انقلاب چند دهه متحد عربستان بود، همیشه هم متحد آمریکا بوده، یک کشور سنی وهابی مذهب است و هیچ وقت هم موضوع نفوذ و دخالت ایران در این کشور مطرح نبوده. امروز قطر مدعی است که عربستان به دنبال سلطه و هژمونی و نقض حاکمیت ملی و استقلال این کشور است. مهمترین تقابل منطقه‌ای عربستان و ایران هم در سوریه و عراق است. آمریکا و عربستان، اسد را دیکتاتور، حکومت وی را حکومت اقلیت دانسته، به دنبال تغییر رژیم در دمشق بوده و ایران را متهم به دخالت در سوریه می‌کنند.

ایران معتقد است که از منظر مقررات بین‌الملل و سازمان ملل، دولت اسد، دولت قانونی سوریه است. دهها هزار تروریست خارجی وارد این کشور شده و ایران هم توسط دولت قانونی سوریه برای مقابله با تروریستها دعوت شده است. یمن نقطه اختلاف دیگر عربستان و ایران است. ایران مخالف تجاوز نظامی عربستان به یمن است و دنیا هم پذیرفته که این تجاوز، بدترین فاجعه انسانی جهان را به وجود آورده است. اختلافات مهم منطقه‌ای ایران و عربستان از این جنس است؛ بنابراین، کلیدی‌ترین اختلاف منطقه‌ای عربستان و ایران در مورد نظم منطقه، امنیت منطقه و نقش منطقه‌ای است. اختلاف دوم بین ایران و عربستان موضوع ایدئولوژی است. اختلاف شیعه و سنی واقعیت است. اما اکثریت قاطع جهان اهل سنت، دشمن شیعه نیستند اما اقلیت وهابیت، دشمن شیعه است. اختلاف سوم ایران با عربستان در مورد حمایت عربستان از جنگ علیه ایران و تجزیه ایران است. بعد از انقلاب صدام با حمایت عربستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس به ایران حمله نظامی کرد، صدها هزار ایرانی قربانی شدند و صدها میلیارد دلار خسارت برای ایران به جا گذاشت. آمریکا، صدام را به سلاح شیمیایی مسلح کرد که با کاربرد آن، صد هزار ایرانی قربانی شدند. (خبرآنلاین. ۱۳۹۷/۲/۴)

تنش ایران و عربستان در یک دهه اخیر و بخصوص بعد از تحولات بهار عربی در سال ۲۰۱۱ که با بحران سوریه رنگ تقابل به خود گرفت بیش از پیش تشدید شده است. در این میان ظهور برخی موضوعات در روابط دو جانبه ایران و عربستان سعودی هم باعث شد تا بیش از هر زمان دیگری شاهد تنش در روابط تهران-ریاض باشیم و سعودی‌ها در یک ذهنیت جدید که متأثر از شرایط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی است به سمت اجماع‌سازی و اقناع‌سازی دیگر بازیگران عربی برای کاهش یا قطع روابط با تهران حرکت کرده است. در این نوشتار روابط ایران و عربستان سعودی و چشم انداز پیش رو مورد تبیین و تحلیل قرار گرفته است.

پس از حمله برخی عناصر به سفارت عربستان در تهران و کنسولگری این کشور در مشهد، عادل الجبیر وزیر خارجه سعودی در تصمیمی متأثر از فضای به وجود آمده، قطع روابط دیپلماتیک با ایران را اعلام کرد. در هماهنگی با این تصمیم بحرین، سودان، سومالی، جیبوتی و کومور روابط خود با تهران را قطع و امارات متحده عربی نیز روابط خود را به سطح کاردار تنزل داد. برخی دیگر از دولت‌های عربی چون کویت نیز سفیر خود را برای پاره‌ای از مشورت‌ها فراخواند. در چهار سال اخیر یعنی بعد از خیزش‌های اعتراضی جهان عرب در سال ۲۰۱۱ و

بخصوص در یک سال اخیر و از زمان روی کارآمدن ملک سلمان و تیم سیاسی-امنیتی جدید او، حجم تنش‌های ایران و عربستان به میزانی افزایش پیدا کرده که در چهار دهه اخیر بی سابقه بوده است. تحولات اعتراضی بحرین، بحران سوریه، حمله عربستان به یمن، توافق هسته‌ای ایران و ۵+۱، کاهش قیمت نفت، تعرض به دو نوجوان ایرانی در فرودگاه جده، مرگ نزدیک به ۵۰۰ حاجی ایرانی در مراسم حج تمتع، اعدام شیخ باقر النمر و حمله به مراکز دیپلماتیک عربستان در ایران از جمله این موضوعات بود که به فعال‌تر شدن گسل‌ها میان تهران و ریاض دامن زده است.

در واقع مرور رفتار سیاست خارجی عربستان پس از تحولات بهار عربی در سال ۲۰۱۱ تاکنون نشان می‌دهد که عملاً عربستان هرگونه کانال گفتگو با ایران را سد کرده و علاوه بر آن به کارشکنی‌های روشن در توافق هسته‌ای پرداخته است. همزمان، با حمایت‌های مالی و معنوی از جبهه تروریست‌ها در سوریه بر شراره‌های بحران نیز دمیده است. مرور این حوادث نشان می‌دهد که سعودی‌ها به نوعی این سناریو را از مدت‌ها قبل طراحی کرده بودند. در واقع باید گفت که در این تصمیم عربستان سه سطح از متغیرها نقش دارد: داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی. در سطح داخلی روی کارآمدن ملک سلمان و تیم سیاسی امنیتی او که متعلق به جناح بازها در عربستان هستند، نقش مهمی در ذهنیت مقامات سعودی در تصمیم‌سازی و رفتار با ایران و محیط پیرامونی‌شان دارد. حداقل در مورد شخص وزیر خارجه باید گفت که او از زمانی که موضوع ترورش به عنوان سفیر عربستان در آمریکا کلید خورد، تاکنون بر مدار همان ذهنیت به ایران و رفتار سیاست خارجی تهران در منطقه نگاه می‌کند. در سطح منطقه‌ای حجم بحران‌های به وجود آمده که منجر به خلق هزینه برای عربستان بدون در برداشتن نتیجه ملموسی شده است، بیشترین نقش را در تهاجمی شدن سیاست خارجی عربستان داشته و سعودی‌ها مدام در فرافکنی، ایران را عامل بی‌ثباتی در منطقه قلمداد می‌کردند. ناکارآمدی سیاست اتخاذی در سوریه، یمن و عراق نمونه‌هایی از معادلات منطقه‌ای است که در آن سعودی‌ها نه تنها دست برتر را پیدا نکرده‌اند، بلکه روند این قضایا به سمت برتری رقبا و خلق هزینه‌های میلیارد دلاری بوده است.

در سطح سوم یعنی سطح بین‌المللی نیز شکاف در رابطه با آمریکا و تغییر نگاه آمریکایی‌ها و عدم تمایل به درگیر شدن در بحران‌های خاورمیانه، سعودی‌ها را به این نتیجه رساند که باید بدون همراهی با آمریکا، گلیم خود را از آب گل آلود خاورمیانه بیرون بکشند. به خصوص که توافق هسته‌ای و اراده آمریکایی‌ها برای رسیدن به معامله هسته‌ای با ایران نیز عربستانی‌ها

را بیشتر به این سمت هدایت کرده است. شاید مقاله بندر بن سلطان رئیس سابق استخبارات عربستان سعودی گویای این معادله در حال شکل‌گیری باشد. بندر در فاکس نیوز نوشت: «دوستان آمریکا باید بیشتر از دشمنانش از او بترسند». این اظهارات اگر چه متعلق به شخص بن سلطان است، اما نمایانگر و نمایه‌ای از ذهنیت کارگزاران آل سعود از روند معادله در حال شکل‌گیری است که نمی‌تواند به سان قبل، به سعودی‌ها اطمینان بخشی لازم را بدهد.

اگر چه عربستان به دلیل ضعف‌های امروزی جهان عرب که به شدت ضعیف، چند پاره و گسسته شده است، می‌تواند با قدرت مالی خود، به یارگیری‌های سیاسی اقدام کند و رفتار تهاجمی بیشتری از خود نشان دهد، اما حجم بحران‌هایی که امروز این کشور در گستره خاورمیانه با آن درگیر است، موضوعی نیست که بتواند به برتری عربستان در این روند بینجامد. به خصوص که خلق هزینه‌های میلیارد دلاری در زمانی که این کشور با کسری شدید بودجه دست به گریبان است و داعش و فعالیت‌های تروریستی هم به نوعی متوجه خودش شده‌اند، موضوع را در نهایت برای تصمیم‌گیرندگان این کشور سخت‌تر خواهد کرد. از طرفی هم نباید این نکته را از نظر دور داشت که گسترش روابط ایران با اتحادیه اروپا خود موازنه‌ای در این کارشکنی عربستانی‌ها ایجاد خواهد کرد، به خصوص که به نظر نمی‌رسد خود آمریکایی‌ها نیز به دلیل توافق هسته‌ای تمایلی برای همراهی با عربستان در دمیدن در این بحران و تصاعد آن داشته باشند. از این رو در کوتاه مدت اگرچه برخی دولت‌های میانجی و واسط همچون پاکستان، عراق و آلمان به دنبال میانجی‌گری در روابط دو کشور بودند و این تمایل را نشان داده‌اند، اما بعید بنظر می‌رسد که تا پیدا شدن دورنمای روشن تری از بحران سوریه بتوان برای برقراری تماس‌های اولیه میان ایران و عربستان خوشبین بود. در واقع بحران سوریه و نظم برآمده از آن تکلیف بحران روابط ایران و عربستان را روشن خواهد کرد.

## منابع فارسی:

## کتاب

- اخوان کاظمی، بهرام، (۱۳۷۳)، مروری بر روابط ایران و عربستان در دو دهه اخیر، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی
- احمدی، حمید، (۱۳۸۶)، روابط ایران و عربستان در سده بیستم (دوره پهلوی)، تهران؛ مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی
- احتشامی، انوشیروان (۱۳۷۸)، سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی: اقتصاد، دفاع، امنیت، ترجمه، ابراهیم متقی و زهره پوستین چی، چاپ اول، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- خوشوقت، محمدحسین، (۱۳۷۵)، تجزیه و تحلیل تصمیم گیری در سیاست خارجی، چاپ اول، تهران: وزارت امور خارجه- دهقانی، سیدجلال (۱۳۸۶)، هویت و منفعت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، در کتاب منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- رضانی، روح الله، (۱۳۸۰)، چارچوب برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی
- سیدحسین سیف زاده، جلیل روشندل (۱۳۸۲)، تعارضات ساختاری در منطقه خلیج فارس، تهران، مرکز پژوهش های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه
- سجادیپور، محمدکاظم، (۱۳۸۳)، چارچوب های مفهومی و پژوهشی برای مطالعه سیاست خارجی ایران، چاپ دوم، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه
- سریع القلم، محمود، (۱۳۷۹)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک
- گلشن پژوه، محمدرضا، (۱۳۸۴)، ایران هسته ای: پیامدهای منطقه ای، پرونده هسته ای ایران (۲)، موسسه ابرار معاصر، تهران

## مقالات

- تلاشان، حسن (زمستان ۱۳۹۱)، انقلاب اسلامی و تاثیر آن بر تحولات ژئوپلتیک شیعه در یمن، فصلنامه علمی- پژوهشی شیعه شناسی، سال دهم، شماره ۴۰

- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۸)، **عربستان و رؤیای تسلط بر یمن**، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۱۷
- ..... (خرداد و تیر ۱۳۷۲)، **عربستان: نگاه به یمن**، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۶۹ و ۷۰، تهران: شرکت ایرانچاپ موسسه اطلاعات
- حسین صادقی، و حسن احمدیان (پاییز ۱۳۸۹)، **دگرگونی جایگاه منطقه‌ای یمن: امکانات و چالش‌ها**، فصلنامه راهبرد، شماره ۵۶
- صادقی، احمد (۱۳۸۷)، **تبارشناسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: جایگاه هویت، فرهنگ و تاریخ**، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۲

### خبرگزاری

- اسدی، علی اکبر، **عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران: موازنه سازی و گسترش نفوذ**، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام (بهمن ۱۳۹۰)، قابل دسترسی:  
<http://www.csr.ir/departments.aspx?abd=06&&depid=44&semid=2297>

### منابع انگلیسی:

- 1-A History of Saudi Arabia,London:Cambridge University Press.
- 2-Alley,Longley(April 2011), **yemen the Brink:Will Salehs Resignation Lead toDemocratic Reform?**,Foreign Affairs
- 3-Baer,Gabriel (1965),**Population and Society in the Arab East**, in: Middle Eastern Studies, Vol.no.3,London: Oxford University Press